



میثم حاجی قربانی
دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

تنوع آموزشی: به اسم عدالت، به کام ثروت

تنوع آموزشی و توجه به توانایی‌ها و استعدادهاى همه دانش آموزان لزوماً به معنی تأسیس مدارس متنوع نیست.

۱- مقدمه

پیاده‌سازی عدالت از جمله موضوعاتی است که باید در تمامی عرصه‌های جامعه نهادینه شود. از مهم‌ترین بسترهای پیاده‌سازی عدالت، ساخت آموزشی و دستیابی به عدالت آموزشی است. امروزه رابطه مستقیمی بین عدالت آموزشی و عدالت اجتماعی وجود دارد. بسط عدالت در نهاد آموزش و پرورش می‌تواند به پیاده‌سازی عدالت در جامعه کمک کند و ادراک بی‌عدالتی در آموزش و پرورش زمینه‌ساز بی‌عدالتی در کل ساحت‌های جامعه است.

از طرفی یکی از مسائل مهم حوزه آموزش و پرورش موضوع تنوع مدارس است. طبق اسناد آموزش و پرورش تنوع مدارس در کشور به ۴۷ نوع مدرسه می‌رسد! [۱] حال سؤالی که باید به آن پرداخت آنکه آیا تنوع مدارس در راستای برقراری عدالت آموزشی است یا خیر؟ آیا گسترش و متنوع‌سازی مدارس کشور به سبک کنونی به پیاده‌سازی عدالت آموزشی منجر می‌شود؟

۲- وضعیت فعلی تنوع مدارس

از سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۷ فقط دولت به‌طور مستقیم متولی اداره تمام مدارس

کشور بود. [۲] اما مجلس در سال ۱۳۶۷ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی را به تصویب رساند. طرفداران این قانون بر این باور بودند که تصویب مدارس غیرانتفاعی می‌تواند دولت را در اداره جمعیت انبوه دانش‌آموزی آن دوران و حل مسئله کمبود امکانات و فضای آموزشی کمک بدهد. به مرور زمان متناسب با شرایط پیش‌روی کشور تنوع مدارس دولتی افزایش یافت. در این سال‌ها در دولت‌های مختلف علاوه بر مدارس دولتی عادی رایگان برای همه دانش‌آموزان کشور، مدارس مثل ایثارگران، شاهد، نمونه دولتی، از راه دور، بزرگسالان، معارف اسلامی، شبانه‌روزی، استثنایی، استعدادهای درخشان، تیزهوشان، هیئت امنایی، ماندگار و... نیز ایجاد شد.

شاید بتوان یک نوع از طبقه‌بندی مدارس کشور را دوگانه دولتی و غیردولتی نام برد. مدارس دولتی که خود شامل مدارس عادی دولتی، ایثارگران، شاهد، نمونه دولتی، از راه دور، بزرگسالان، معارف اسلامی، شبانه‌روزی، استثنایی، استعدادهای درخشان، تیزهوشان، هیئت امنایی، ماندگار و... می‌شوند و دسته‌ی دیگر مدارس غیردولتی یا همان غیرانتفاعی سابق. [۳] تحصیل دانش‌آموزان در مدارس دولتی

ساختار آموزشی کشور، طبقاتی شده و نهاد آموزش که باید بی‌عدالتی اجتماعی را بهبود ببخشد، با سرعت بالایی به نفع طبقه مرفه و حذف طبقه مستضعف راه بی‌عدالتی را در پیش گرفته است. البته این مسیر به همین جا ختم نمی‌شود. آموزش و پرورش که قرار بود از طریق نهاد مدرسه جبران‌کننده بی‌عدالتی‌های اجتماعی باشد، خودش عاملی شده است برای شکاف طبقاتی و تقسیم‌بندی مدارس به دو دسته خوب و بد. بعد از مدرسه و پس از کنکور نیز، بهترین دانشگاه‌ها نصیب گروهی می‌شود که آموزش بهتری را از مدرسه‌های خاص غیردولتی خریده باشند.

بعضی مسئولین و اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش بر این باورند که با تأسیس مدارس غیردولتی بین این نوع از مدارس با مدارس دولتی رقابت سازنده‌ای ایجاد می‌شود که در نهایت موجب افزایش کیفیت مدارس غیردولتی عناصر ایجاد کیفیت را از مدارس دولتی جذب می‌کند. در طی زمان، به جهت جاذبه انگیزه‌های مالی در مدارس غیردولتی نوعی انتقال و جابجایی مدیران و معلمان بهتر از سایر مدارس به سوی مدارس غیردولتی اتفاق می‌افتد. همچنین دانش‌آموزان مستعد و برتر نیز با هدف کسب کیفیت آموزشی بهتر از مدارس عادی دولتی خارج می‌شوند و روی به مدارس غیردولتی می‌آورند. حال چگونه قرار است مدرسه دولتی که معلم با مهارت و دانش آموز مستعد خود را از دست داده است، در رقابت با مدرسه غیردولتی ارتقای کیفیت پیدا کند؟ لذا می‌توان گفت که مدارس غیردولتی بر کیفیت مدارس دولتی اثر منفی داشته و به عبارت دیگر، در عمل، سایر مدارس را می‌بلعند. بقیه مدارس در عین اینکه وجود دارند اما کیفیتی برای ارائه ندارند. در نتیجه کیفیت آموزش عمومی دولتی روز به روز

رایگان بوده و دانش‌آموزان در صورت داشتن شرایط خاص هریک از این مدارس می‌توانند در آن‌ها تحصیل کنند. از طرفی مدارس غیردولتی باید مطابق اهداف، ضوابط، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش و تحت نظارت سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی تأسیس و اداره شود. منابع مالی این مدارس نیز از طریق شهریه دانش‌آموزان و طبق ضوابط و قوانین تأمین می‌شود.

۳- اختلاف نظر در باب تنوع

همان‌طور که اشاره شد یک دسته از انواع مدارس فعلی کشور، مدارس غیردولتی است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که ایجاد و گسترش مدارس غیردولتی منجر به آن شده است تا آموزش عمومی به سمت کالایی شدن حرکت کند و وارد یک فضای رقابتی تجاری و اقتصادی شود. آموزشی که طبق اصل ۱۳۰م قانون اساسی، دولت موظف است به‌طور رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.

با کالایی شدن آموزش، خانواده‌های با سطح درآمد بالا این توانایی را دارند که فرزندان خود را از مدارس دولتی که غالباً کیفیت پایین‌تری نسبت به سایر مدارس دارند، خارج کنند و به سمت مدارس غیردولتی مدعی ارائه آموزش با کیفیت بهتر بزنند. به عبارت دیگر پول حاکمیت فضای آموزش عمومی کشور را در برمی‌گیرد. در نتیجه تنها کسانی می‌توانند از آموزش با کیفیت‌تری بهره ببرند که درآمد بهتری داشته باشند و اکثریت با درآمد به نسبت کمتر، از کیفیت آموزشی پایین‌تری در مدارس دولتی برخوردار می‌شوند. امروزه با گسترش این فرآیند،

آموزش و پرورش که قرار بود از طریق نهاد مدرسه جبران‌کننده بی‌عدالتی‌های اجتماعی باشد، خودش عاملی شده است برای شکاف طبقاتی و تقسیم‌بندی مدارس به دو دسته خوب و بد.



هستند، فضای رقابتی را در مدارس دولتی از بین برده و مانع پیشرفت آن‌ها می‌شود.

در سال‌های پس از انقلاب تعداد مدارس تیزهوشان در کشور رشد قابل توجهی داشته است. به طوری که در سال ۱۳۷۰ با بیش از چهارده و نیم میلیون دانش آموز در کشور، تعداد دانش آموزان مدارس تیزهوشان ۹۶۸۲ نفر و در سال ۱۳۹۳ با کمتر از دوازده و نیم میلیون دانش آموز، تعداد دانش آموزان مدارس تیزهوشان به ۱۴۶۴۹۰ نفر رسیده است. یعنی در شرایطی که جمعیت دانش آموزی کاهش یافته، جمعیت دانش آموزی تیزهوشان ۱۵ برابر شده است. [۴] در نگاه اول به نظر می‌رسد که در طی این سال‌ها افزایش تعداد مدارس تیزهوشان گام بسیار مؤثری در مسیر شناسایی و توجه به استعدادها برتر دانش آموزان بوده است. اما از نظر برخی پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت انتقاداتی نیز بر مدارس تیزهوشان وارد است که از جنبه عدالت آموزشی حتماً باید به آن‌ها اشاره شود.

بسیاری از پژوهش‌ها در زمینه تربیت و پرورش استعدادهای برتر نشان می‌دهد که اگرچه باید به افراد باهوش توجه

بیشترافت می‌کند و مدارس دولتی از تنوع استعدادهای خالی می‌شوند.

شاید تا به اینجا این‌گونه استنباط شود که صورت عادلانه مدارس در کشور، مدارس عادی دولتی با داعیه در دسترس قرار دادن آموزش رایگان، همگانی و برابر در اختیار همه طبقات جامعه است. اما گروهی از صاحب نظران آموزش و پرورش بر این باورند که آموزش در مدارس دولتی نیز از جهاتی با عدالت آموزشی زاویه دارد. مدارس دولتی تلاش دارند تا با در دسترس قرار دادن آموزش استاندارد همگانی و برابر، اثر آموزش در دستیابی به موقعیت‌ها و بهره‌مندی‌ها را برابر کند. اما باید توجه داشت که بحث عدالت آموزشی ابعاد مختلفی دارد؛ یکی از جنبه‌های آن موضوع گسترش دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه طبقات رفاهی جامعه است. اما یک بعد دیگر مسئله، موضوع بسیار مهم توجه به رشد استعدادهای متنوع و مختلف دانش آموزان است.

عدالت آموزشی اقتضا می‌کند تا برای دانش آموزان با استعدادهای، علایق و توانایی‌های مختلف برنامه‌های آموزشی متنوعی ارائه شود. به نظر می‌رسد در مدارس دولتی برنامه واحد یکسان برای همه دانش آموزان منجر به تخریب استعدادهای گوناگون و متنوع آن‌ها می‌شود. البته این اشکال متوجه مدارس غیردولتی نیز هست. شاید بتوان گفت تنوع آموزشی در مدارس غیردولتی به نسبت دولتی‌ها بالاتر است اما در درون یک مدرسه غیردولتی، باز هم نگاه متفاوت به استعدادهای مختلف دانش آموزان بی‌توجه مانده است.

نکته دیگر آنکه همان‌طور که در بالا اشاره شد خروج دانش آموزان برتر و همچنین معلمان با مهارت بالا از مدارس دولتی به سمت مدارس غیردولتی، تیزهوشان، نمونه دولتی و ... که داعیه دار کیفیت آموزشی بهتر

تنوع آموزشی در مدارس غیردولتی به نسبت دولتی‌ها بالاتر است اما در درون یک مدرسه غیردولتی، باز هم نگاه متفاوت به استعدادهای مختلف دانش آموزان بی‌توجه مانده است.

است. نتیجه این است که نظام آموزشی، نه تنها میان تیزهوشان و افراد معمولی فاصله گذاشته بلکه در سطحی دیگر، میان خود تیزهوشان هم فرصت ورود به مدارس استعداد‌های درخشان برای همه واجدین شرایط فراهم نیست. حتی بسیاری از پذیرفته شدگان مدارس تیزهوشان قادر به پرداخت شهریه این مدارس نیستند و از تحصیل در آن‌ها بازمی‌مانند. با اینکه مدارس تیزهوشان زیرمجموعه مدارس دولتی قرار می‌گیرند اما به علت داشتن برنامه‌های فوق برنامه شهریه به نسبت بالایی دارند. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که توزیع مدارس تیزهوشان و استعداد درخشان در کشور متوازن نیست به طوری که در شهرهای حاشیه‌ای کشور و شهرستان‌ها مدارس تیزهوشان پاسخگوی همه متقاضیان نیست. قرار بود با تأسیس مدارس نمونه دولتی با هدف شناسایی و جذب استعداد‌های برتر روستاها و مناطق محروم به رفع این مسئله کمک کند. اما پس از چندی مدارس نمونه دولتی با مصوبه دولت در سال ۹۰ در شهرها نیز اجازه ساخت گرفت و از فلسفه اصلی خودش بازماند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد آن است که مدارس تیزهوشان فقط به یک نوع از استعداد‌های دانش‌آموزان توجه کرده و هوش‌های مختلف انسان و ساحت‌های مختلف تربیتی را نادیده می‌گیرد. نتیجه آنکه در شرایط فعلی مدارس تیزهوشان فقط مختص به شاخه‌های نظری است؛ آن‌هم گرایش تجربی و ریاضی. به ندرت مدرسه تیزهوشانی پیدا می‌شود که شاخه علوم انسانی را شامل بشود. حال سؤال از نظام آموزشی کشور این‌گونه مطرح می‌شود: برنامه برای دانش‌آموزی که در ورزش و یا مثلاً هنر و ادبیات استعداد برتر است، چیست؟ آیا تیزهوشی فقط در دروس نظری معنی پیدا می‌کند؟



ویژه‌ای کرد، اما این به معنی جداسازی نخبه‌ها از دانش‌آموزان معمولی و آموزش آن‌ها در مدارس جداگانه نیست. برخی از اندیشمندان علوم تربیتی معتقدند که تفکیک و جداسازی مدارس بر پایه متغیر هوش، تأثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی دارد. با جداسازی افراد کم‌هوش و باهوش، نوعی سرخوردگی و ناامیدی در دانش‌آموزان عادی شکل می‌گیرد که انگیزه پیشرفت تحصیلی در آنان را تضعیف می‌کند. دانش‌آموزان معمولی و با استعداد می‌توانند در کنار هم باشند و برنامه آموزشی یکسانی برای آن‌ها ارائه شود. ضمن آنکه می‌توان برای افراد خیلی باهوش، فوق برنامه‌هایی را نیز ترتیب داد. لذا پرسش بنیادینی در این رابطه مطرح می‌شود که آیا تفکیک دانش‌آموزان با استعداد برتر از بقیه دانش‌آموزان اساساً در مسیر عدالت آموزشی هست یا خیر؟

از طرفی با فرض اینکه باید فرصت‌های ویژه در اختیار تیزهوشان قرار داده شود، باز هم تعداد مدارس تیزهوشان به نسبت تعداد دانش‌آموزان تیزهوش بسیار کمتر است. به عبارت دیگر واجدین شرایط برای ثبت نام در این مدارس، بسیار بیشتر از تعداد و ظرفیت مدارس موجود

جداسازی افراد کم‌هوش و باهوش، نوعی سرخوردگی و ناامیدی در دانش‌آموزان عادی شکل می‌گیرد که انگیزه پیشرفت تحصیلی در آنان را تضعیف می‌کند.

۴- نتیجه‌گیری

در بحث عدالت آموزشی چند نکته حائز اهمیت است. اول آنکه عدالت آموزشی مثل دیگر جنبه‌های عدالت یک مفهوم بسیار دقیق و شامل ابعاد گسترده است. لذا ارائه یک تعریف کامل و جامع از عدالت آموزشی، اجرا و پیاده‌سازی آن و همچنین شاخص‌گذاری برای سنجش این مفهوم، کار ساده‌ای نیست. نشانه این مطلب آن است که درباره یک پدیده تربیتی - به عنوان مثال مدارس تیزهوشان - عده‌ای از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت آن را عین عدالت می‌دانند و گروهی دیگر عین بی‌عدالتی. به نظر می‌رسد باید مرحله به مرحله مؤلفه‌های سازنده عدالت آموزشی را کشف و بررسی کرد تا کم‌کم به شناخت این مفهوم نزدیک شد. یکی از این نتایج این نکته آن است که نباید در رده‌های خط‌مشی‌گذاری وزارتخانه آموزش و پرورش عجلولانه تصمیمی را منطبق با عدالت آموزشی دانست و با هدف دستیابی به عدالت آموزشی آن را اجرایی کرد. البته این نکته در بین نظرات اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش نیز صادق است. نمی‌توان تصمیمی را در آموزش و پرورش بدون کار کارشناسی دقیق و حساب شده منطقی یا مخالف با عدالت خواند.

نکته دوم آنکه، آنچه مسلم است توجه به استعدادها و مختلف دانش‌آموزان و تفاوت میان آن‌ها یکی از مؤلفه‌های سازنده عدالت آموزشی است. تنوع آموزشی می‌تواند گام بسیار مهمی در راستای پیاده‌سازی این مطلب باشد. تنوع آموزشی و توجه به توانایی‌ها و استعدادها همه دانش‌آموزان لزوماً به معنی تأسیس مدارس متنوع نیست. احساس می‌شود که در برخی از تصمیم‌های مسئولین آموزش و پرورش و تحلیل‌های صاحب‌نظران این حوزه، تنوع آموزشی برابر با تنوع مدارس اطلاق می‌شود که انگاره‌ای صحیح نیست. می‌توان در یک مدرسه، با هر دانش‌آموز متناسب با استعدادها و خاص خودش برخورد کرد و برنامه آموزشی متنوعی در مدرسه ارائه کرد. جای خالی

معلمی با چنین مهارت و برنامه درسی با چنین تنوع فعلاً در آموزش و پرورش به چشم می‌آید.

نکته دیگر آنکه از مجموع تحلیل‌های اندیشمندان و مسئولین حوزه تعلیم و تربیت این‌گونه استنباط می‌شود که وضعیت فعلی تنوع مدارس با وضعیت آرمانی خود یعنی حرکت در راستای عدالت فاصله دارد. مدارس غیردولتی شاید در ابتدا با هدف ایجاد تنوع آموزشی و کمک به اقتصاد آموزش و پرورش شکل گرفت اما رفته‌رفته منجر به حاکمیت پول بر مدارس شد و به طبقاتی شدن آموزش دامن زد. آموزش را همچون کالایی وارد مبادلات اجتماعی و فرهنگی ساخت. امروزه وضعیت مدارس غیردولتی به‌گونه‌ای شده است که می‌توان گفت خانواده‌ها هر چقدر پول بیشتر بدهند امید است که آموزش بهتری دریافت کنند. مدرسه‌داران بزرگی که دارای ایده تربیتی خاص باشند، به ندرت وجود دارند بلکه عموماً این تاجران بزرگ مدرسه هستند که در این عرصه فعالیت دارند. از طرفی از نظر خیلی از اندیشمندان عدالت آموزشی جداسازی دانش‌آموزان بر پایه ملاک هوش در مدارس تیزهوشان مورد نقد واقع شده است. فرآیند مدارس عادی دولتی هم متهم به بی‌توجهی به استعدادها و توانایی مختلف دانش‌آموزان در ارائه برنامه درسی واحد و یکسان است. به نظر می‌رسد که در وضعیت فعلی فقط تمایز دانش‌آموزان بر پایه ویژگی‌های سنی مثل مدارس بزرگسالان، ایثارگران و آموزش از راه دور و نیز جداسازی دانش‌آموزان به لحاظ وجود ضعف‌های جسمی و حرکتی مثل مدارس استثنایی امری پذیرفته است.

پی‌نوشت

- [۱]. واژه‌نامه تخصصی آموزش و پرورش؛ انتشار ۱۳۹۳
- [۲]. البته در دوران طاغوت چند مدرسه با هدف ارائه برنامه تربیتی خاص اسلامی تأسیس شده بودند که توسط مؤسسان اداره می‌شد. بعد از انقلاب نیز این مدارس با همین منوال غیردولتی و با نظارت دولت ادامه یافت.
- [۳]. طبق ماده یک قانون اصلاح قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷/۳/۵ مدارس غیرانتفاعی به غیردولتی تغییر نام دادند.
- [۴]. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به شماره مسلسل: ۱۵۳۱۶